

می گویند هدف، وسیله را توجیه می کند. بنابراین با این تعریف، چه بسا ابزار هم متفاوت خواهد شد.

مثال عرض کنم. یک هدف است به نام کمک به محرومین. ما می گوئیم که باید از کانال اسلامی باشد یعنی چه؟ یعنی این که بیایم با یک مسابقه حرام، با یک معامله حرام، مثل گلدکوئیست یک درآمدی به هم بزنیم و از آن راه به محرومین کمک کنیم، یا یک چیزی بهزیستی داشت که مراجع مخالفت کردند، ارمغان بهزیستی، و بعد هم همان رحمت که از کانال دیگری درست شد، مراجع اعلام کردند که این اسلامی نیست، معنای این چیست؟ معنایش این است که کمک به محرومین آری ولی از هر راهی نه. در غرب این حرفها نیست ولو مشروب خانه ها هم یک روز درآمدشان را برای کمک به محرومین بدهند، می پذیرند ولی ما آن درآمد را حرام می دانیم بنابراین در ابزار و روشها هم ما مسأله حرام و حلال را داریم.

یک گفتمان مرتبط با دولت اسلامی، گفتمان تولید علم است و بخش قابل توجهی از تولید علم، استخراج مبانی معرفتی و تئوریکها از متون دینی، روایات و قرآن است. یک بخش تولید علم هم

**یک فرق بین ما و ماتریالیست ها هست و آن این است که ما معتقدیم هدف، وسیله را توجیه نمی کند، آنها می گویند هدف، وسیله را توجیه می کند. بنابراین با این تعریف، چه بسا ابزار هم متفاوت خواهد شد**

تولید خوراک فکری و قانون برای مدیران است، این که قوانینی که مدیران ما باید با آن کشور را بگردانند باید تولید کرد. چیزی که در شورای نگهبان داریم انطباق قوانین است. در مجلس ما و دولت ما معمولاً خیلی موقع ها قوانین را می گیرند و اسلامیزه می کنند. می گویند مشکلات را حذف می کنیم، عدم انطباقش را با احکام حذف می کنیم، در واقع یک کار امضایی می کند نه یک کار تولیدی. ما الآن یک سری قوانین در حیطه مدیریت کشور نیاز داریم مثلاً در عرصه فرهنگ، یک گزاره ها و آموزه های نیاز داریم. مثلاً وقتی می گوئیم، فرهنگ اسلامی یا هنر اسلامی که بعد اینها می شود قوانین اسلامی و مدیران باید با اینها کشور را بچرخانند، اینها چیست و کجاست از کجا باید بیاید؟

عرض کنم، کلیات همه اینها در قانون اساسی آمده و ما معتقدیم قانون اساسی مصداق همان تولید علمی است که شما می فرمایید. عده ای مجتهد نشسته در ۹۰ روز، بزرگان فقیهی، مثل، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، آیت الله العظمی مکارم، آیت الله العظمی جوادی آملی، آیت الله العظمی سبحانی که اگر بخوایم در این کشور اسلام شناس پیدا کنیم، بهتر از اینها پیدا نمی کنیم. اینها این قانون اساسی را تولید کردند. کار مجلس این است که آن قوانین کلی را در قالب نیازها می ریزد. مسئولیتی که به شورای نگهبان داده شده، این است که مراقبت کند این خلاف قانون اساسی نباشد. اما این نکته ای که شما رویش انگشت گذاشتید، این نقطه ضعفی است که وجود دارد و اختصاص هم به هنر ندارد، در عرصه ورزش هم داریم، این نیاز به این دارد که آنها که با این مسائل سر و کار دارند، مشکلات را ریز کنند. یعنی ۵۰ تا سؤال بنویسند که ما در عرصه هنر این سؤالات را داریم، سؤالات را بدهند به مراجع، به حوزه ها،

پاسخ شفاف شفاف بیان می شود. مشکل از آن سو نبوده، از این سو بوده از این سو کسی نیامده مشکلات ورزش را در ۱۰۰ تا سؤال بنویسد، مثلاً بنویسد این پوشش که در باب ورزش هست، اسلامی هست یا نیست. بنیاید سؤال کنند که در باب ورزش یا چه کشوری به مسابقه باید وارد شد و با چه کشوری نباید شد؟ ورزش های حلال و غیرحلال را بپرسند؟

تا حالا در هر عرصه ای که از حوزه خواستند جواب داده است، در عرصه پزشکی خواستند بزرگان ما جواب دادند، در این عرصه ها نتوانستند بنابراین اگر قرار باشد در این عرصه، مسائل اسلامی، احکام اسلامی، تولید بشود نیازها باید به صورت ریز و نه کلی تبیین شود تا جواب ریز بگیرند و الاجز کلیات جواب دیگری نخواهند گرفت.

**گفتمان های اصلی و اساسی در دولت اسلامی چیست؟ آیا عدالت و تولید علم را می توان جزو گفتمان های اسلامی دولت اسلامی دانست؟**

شکی نیست که در دولت اسلامی رشد علمی یک رکن است. دولت اسلامی در جا نمی زند آنچنان که مسلمانان روزی پیشگام علم و تمدن در دنیا بودند و آن زمانی که خبر از اروپا نبود مسلمانان در قله پیشرفت و کمال بودند. شکی نیست که گفتمان عدالت، روح نظام اسلامی است. اصولاً نظام اسلامی بدون گفتمان عدالت معنا ندارد اما نباید در این دو محدود کرد. گفتمان معنویت و دین، گفتمان اخلاق و محبت اینها هم جزو گفتمان های اصلی نظام اسلامی است. من معتقدم گفتمان معنویت را در صدر لیست باید قرار دهیم چون «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یتغنون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجههم من اثر السجود». گفتمان معنویت، گفتمان اول نظام اسلامی است در نظام اسلامی باید همه جا صبغه معنویت، داشته باشیم. اداراتش، کوچه و خیابانش، مدیرانش باید معنویت از آنها متلالی باشد. بعد نوبت می رسد به گفتمان محبت، افراد جامعه اسلامی باید نسبت به خودشان در جامعه محبت داشته باشند «رحماء بینهم، ادله علی المؤمنین» و ما وقتی به اسلام نگاه می کنیم می بینیم جای جای این اسلام محبت موج می زند.

**تفسیر تعبیر «دولت کریمه» که در دعای «اللهم اننا نرغب» آمده چیست؟ منظور از عزت اسلام و ذلت نفاق که در این جا آمده است چیست؟**

منظور دولت آقا امام زمان (عج) است که ویژگی هایش را هم بیان کرده، منظور از عزت اسلام این است که اسلام در همه حوزه ها حرف اول را بزند. «عزت»، به معنای نفوذناپذیری است. دولت کریمه، دولتی است که در همه عرصه ها اسلام را به عزت برساند. در عرصه سیاسی، در عرصه فرهنگی، نظامی و اقتصادی و تذلل بها النفاق و اهله» در سایه این حکومت، نفاق ذلیل و سرافکنده باشد و مقصود از ذلت نفاق این است که کفر در هر شکل اش هیچ جایگاهی نداشته باشد. کفر هم حتماً لازم نیست به صورت کفر صریح باشد، اگر در جامعه گفتمان های غیراسلامی اصل شد، این می شود شرک، می شود کفر. بت فرق نمی کند که بت چوبی باشد، یا این که امروز در نظام غربی می گویند حرام و حلال آن است که مردم می خواهند، مردم چیزی را بخواهند حلال باشد، حلال است و چیزی را بخواهند حرام باشد. حرام می شود، پس مقصود از عزت اسلام و ذلت نفاق این است. اما ما در این دولت کریمه چه کاره ایم؟ «و تجعلنا فیها من الدعاه الی سبیلک» ما هم در این حکومت مردم را به سوی خدا بخوانیم.

چرا در برابر اسلام، تعبیر نفاق آمده و کفر نیامده؟ به دلیل این که در عصر آقا بقیه الله الاعظم (عج) جریان نفاق، آنهایی که دم از دین می زنند و مقابله با حضرت می کنند، جریان قوی ای است، به همین دلیل است که این را می گوید.

